

## راهکارهای عملی خنثی سازی نفاق از منظر قرآن کریم

سید احمد توفیقی پور

کارشناس ارشد فقه و اصول

---

### چکیده

از صدر اسلام تاکنون نفاق، مهم ترین آسیب جامعه اسلامی است و عامل اساسی بسیاری از ناکامی ها مسلمانان در عرصه های مختلف به شمار می آید. برخورد شدید خداوند در آیات قرآن با منافقان و لزوم رویارویی با جریان نفاق، منافقان را برجسته تر می کند. عدم شناخت منافقان و توطئه های آنها، برخورد صحیح با منافقان را با مشکل مواجه می سازد. برای شناخت منافقان و توطئه های آن ها، باید شاخصه های صحیحی داشته باشیم. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای به بررسی راهکارهایی برای خنثی سازی توطئه منافقان در جامعه اسلامی می پردازد و به دنبال بررسی این پاسخ است که قرآن کریم چه راهکارهای عملی را برای خنثی سازی نفاق در جامعه ارائه داده است؟ در برخورد با خط نفاق اولین مسئله شناخت است که قرآن در این زمینه به روشن گری پرداخته است.

واژه های کلیدی: نفاق، منافق، قرآن کریم، جامعه.

---

## مقدمه

جریان نفاق و منافقین به طور شبکه ای گسترده، جامعه دینی را از درون و بیرون تهدید می کند. از آنجا که بخشی از این جریان در بستر جامعه وجود داشته و در پوشش نیروی خودی اهدافش را دنبال می کند، بنابراین چگونگی رویارویی و تعامل با آن اهمیت فراوانی دارد. چرا که مبارزه با جریان های نفاق همانند خود نفاق، پیچیدگی خاصی دارد و مبارزه با آن دشوار و نیازمند ظرافت و دقت است. به طوری که از نظر اصول تربیتی، اجتماعی و سیاسی نمی توان در وهله نخست، با منافقان و توطئه های آنان با شدت و تندری رفتار کرد؛ زیرا این گونه رویارویی سبب از هم پاشیدگی «نظام» و فروریختن «امنیت اجتماعی» می شود. برای این اساس در برخورد، با آنان علاوه بر این که تکیه عمده مبارزه در برخورد با منافقان، باید بر مبارزه منفی باشد و هم باید نقشه های آن ها را افشا کرد و جلوی تحقق برنامه ها، توطئه ها و آرمان های آنان را گرفت. تا استقلال جامعه را حفظ شود. در این مقاله به راهکار های عملی قرآنی مقابله با جریان نفاق و خنثی کردن توطئه های جریان نفاق در جامعه دینی می پردازیم.

## الف: تعریف نفاق

در این مبحث ابتدا واژه «نفاق» از نظر لغت عرب و سپس از نظر اصطلاح قرآن و حدیثی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بررسی بعضی از کتاب های لغت در مورد واژه «نفاق» دو اصل برای معنای آن در نظر گرفته شده است.

احمد بن فارس ذیل ماده «نفاق» می گوید: «النون و الفاء و القاف أصلان صحیحان، يدلُّ أحدهما علی انقطاع شیءٍ و ذهابه، و الآخر علی إخفاء شیءٍ و إغماضه» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۵۴/۵) برای این ماده می توان دو ریشه ی معنایی در نظر گرفت: اول بریده شدن و از میان رفتن چیزی و دوم: پنهان داشتن شیئی و پرده پوشی بر چیزی است. «و گاهی هر دو معنا را در بر می گیرد اما با این وجود می توان تمامی این معنا ها را بر یک اصل واحد برگرداند.

در ادامه می گوید که: بازگشت هر دو معنای نفاق و نفاق، به معنای دوم می باشد که نفاق سوراخی است که موش در خانه اش می سازد؛ به این ترتیب که جایی را در طرف آخر لانه اش نازک و سست می کند که هرگاه از طرف در اصلی به او حمله شد، از راه نفاق خارج شود. که در پایان احتمال می دهد که اصل معنای این واژه بیرون رفتن باشد.

فیومی در مصباح المنیر درباره ماده «نفاق» آورده است که:

«نَفَقَتْ... نَفَقَتْ، و... نَفَقَ الشَّيْءُ نَفَقًا أَيضًا: فَنِي، و أَنْفَقْتَهُ: أَنْفَيْتَهُ، و أَنْفَقَ الرَّجُلُ: فَنِي زَادَهُ. و نَفَقَتِ الدَّابَّةُ نَفَقًا... مَاتَتْ. (نَفَقَتْ) السَّلْعَةُ وَ الْمَرْأَةُ (نَفَاقًا) بِالْفَتْحِ كَثْرَ طَلَّابُهَا وَ حُطَّابُهُ وَ نَافِقَ الْيَرْبُوعِ: إِذَا أَتَى النِّفَاقَاءَ» (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۸/۲).

نفاق به معنای از بین رفتن و نیز فناست و گفته می شود، نفاق الدابه، به معنای مردن حیوان است و گفته می شود نفاق السلعه و المرءه، زمانی است که درخواست کنندگان سلعه و خواستگاران زن، بسیار باشند و نفاق الیربوع هنگامی است که موش به نفاق خود پناه می برد.

میان معنای لغوی و اصطلاحی نفاق ارتباط و پیوستگی وجود دارد. همان طور که بیان شد نفاق در لغت به معنای پنهان کردن چیزی در باطن و نشان دادن ضد آن در ظاهر می باشد؛ که همراه با فریب و خدعه و دورویی و نوعی نقص و زشتی و خلاء همراه می باشد.

معنای عام نفاق، دورویی است و این دورویی منافق می تواند در زمینه ها و موضوعاتی متفاوتی به وجود آید؛ که این به معنای دگرگونی در معنا نیست بلکه ناشی از موارد استعمال نفاق و متعلق آن می باشد. به طوری آیت الله مکارم، ذیل سوره منافقون

عنوان می کند که: «نفاق معنای وسیعی دارد که هرگونه دوگانگی ظاهری و باطن را دربرمی گیرد و مصداق بارز آن نفاق عقیدتی می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷۶/۲۴).

### ب: نفاق در اصطلاح قرآنی

پس از نزول قرآن کریم، برای نفاق، مفهومی غیر از آنچه در عرب متداول بود به کار برده شده است؛ به طوری که قبل نزول قرآن، در زبان عرب؛ تنها اختصاص به انسان ها نداشت؛ اما از دید قرآن این مفهوم اولاً مرتبط به معنای لغوی آن بود ثانیاً: استخدام آن در این معنا تا آن روز در میان اعراب استفاده نشده بود مانند واژه هایی چون «صلاه» و «زکاه» که معنای آن مانند واژه نفاق با معنای غیر از آنچه قرآن به کار می برد استعمال می شد؛ عرب ها تا قبل از نزول قرآن با معنای پنهان سازی و ظاهر سازی در واژه نفاق آشنا بود اما با عبارت «پنهان نمودن کفر و اظهار ایمان ظاهری» نا آشنا بودند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۳۵۷). این معنا در بسیاری از آیات مکی و مدنی به کار برده شده است. و تضاد در ظاهر و باطن به خوبی در آن قابل مشاهده است. مانند: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» «از مردم کسانی هستند که می گویند: ما به خدا و روز آخرت ایمان آورده ایم در حالی که ایمان نیاورده اند» (بقره: آیه ۸). که از منظر قرآن کریم عناصر اصلی نفاق در منافقان «اظهار ایمان» و «کتمان کفر» است. و شبیه ریا است با این تفاوت که در «ریا» اظهار کار نیک و زیبا با هدف جلب تمجید مردم و خودستایی است؛ بدون این که هدفش کسب رضایت الهی و پاداش اخروی باشد. (عسکری، ۱۴۱۸: ۲۲۳).

### ج: انواع نفاق

استعمال واژه نفاق در قرآن کریم، بیشتر در مورد اصول اعتقادی است. اگر گستره واژه نفاق از نظر اظهار امری خیری که در باطن به آن اعتقاد نباشد در نظر بگیریم از نظر اعتقادی فراتر می رود و گستره وسیعی را در برمی گیرد؛ که گاهی در یکی اصول ضروری دین مانند توحید، معاد و نبوت. قرار می گیرد. گاهی در حوزه رفتاری به وجود می آید که فرد در ظاهر، اظهار دوستی می کند و دشمنی اش در باطن پنهان می کند که نفاق واسطه بین دوست و دشمن واقع می شود و در زمینه های اخلاقی، سیاسی و... صورت گرفته است.

این به معنای متفاوت بودن معنای نفاق نیست بلکه گوناگون و متفاوت بودن مصادیق و موارد تطبیق نفاق می باشد. با توجه به فراوانی مصادیق و موارد تطبیق نفاق می توان انواع نفاق را با توجه به حوزه های متفاوتی تقسیم کرد.

### یک: نفاق عقیدتی

نفاق عقیدتی در زمینه «عقاید بنیادین» اسلام به وجود می آید؛ که شخص به دلایل متفاوتی از جمله ترس از قدرت حکومت اسلامی و برای حفظ جان و جاه و مال خود اظهار اسلام می کنند. (حبکه میدانی، ۱۴۱۴: ۱/۷۲) در ظاهر خود را معتقد به توحید، معاد و رسالت نشان می دهد اما در باطن از اساس این اصول را قبول ندارد یا به یکی از این ها معتقد نیست. این نوع از نفاق خطرناکترین نوع نفاق به حساب می آید چرا که شخص منافق می تواند چه به صورت انفرادی یا جریانی با داشتن نفاق عقیدتی در پوشش اسلام نفوذ کند و باعث رسوخ و دگرگونی در میان مسلمانان شوند. اینگونه نفاق به دلیل ضعف و نامشخص بودن هدف در آن می تواند علاوه بر اینکه باعث سرگردانی و حیرت خود منافقان شود دچار اضطراب آمیخته با شک و تردید شوند؛ از این رو به دنبال بهانه ای برای فرار از زیر بار مسئولیت ها می گردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷/۴۳۱).

این منافقان با بیگانگان ارتباط پیدا می کنند و علیه مبانی و ارکان اسلام فعالیت می کنند. و در تاریخ اسلام ضربه های سهمناکی به مسلمانان و حکومت اسلامی وارد کرده اند از جمله «ابوسفیان» و خاندان اموی از جمله این افراد هستند که علاوه بر انحراف ها و شبهاتی که در دین به وجود آوردند؛ جنایت های زیاد مرتکب شدند که حادثه کربلا نمونه عینی آن می باشد. «اخبار اسرائیلیات» و وجود اخبار از جمله دستاوردهای نفاق عقیدتی است؛ که هدفش تحریف در دین می باشد. که این در تاریخ اسلام بسیار مشاهده شده است و هم چنان ادامه دارد به طوری که در تاریخ معاصر «گروهک های ماتریالیستی» یا ماده گرایان برخورد می کنیم، که در پوشش اسلامی کفر را ترویج می کنند. که «بعضی از روحانی نماها در جلسات تفسیر بر اساس افکار مادی و ماتریالیستی خود، آموزه های قرآن و نهج البلاغه تفسیرهای مادی ارائه می دادند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۳۴) که در آثار شهید مطهری از جمله مجموعه آثار، در مقدمه «ماتریالیسم در ایران» به این جریان اشاره و ماهیت این گروهک ها را افشاء می کند.

### دو: نفاق اخلاقی

ایمان شامل سه بخش، عقیده، اخلاق و عمل است که نفاق می تواند در هر یک از این سه بخش به وجود آید. اما در زمینه اخلاقی، آسیب چنین رذله ای به مراتب از دیگر رذائل بیشتر است و جامعه را با آسیب بیشتری مواجه می کند؛ زیرا آن اندازه که اسلام از ابتدای تاسیس خود تاکنون از انسان های دورو به ظاهر اخلاقی ضربه خورده، از مشرکان و کافران نخورده است. (رضائی، ۱۳۹۹: ۴۳).

نفاق در اخلاق، بیشتر در برابر ایمان کامل به کار می رود، در حالی که در واقعیت به آن صفت متصف نیست. از جمله نمونه بارز نفاق در حوزه اخلاق سیاسی، پیمان شکنی اهل کوفه با امام علی «علیه السلام» و راه اندازی جریان خوارج یا پیمان شکنی اهل کوفه با امام حسین «علیه السلام» و شهادت ایشان اشاره کرد.

### سه: نفاق اجتماعی-سیاسی

نفاق اجتماعی مولود نفاق سیاسی می باشد؛ که در میان انواع نفاق، سیاسی خطرناکترین شکل آن است که، برای ماندگاری و کارآمدی خود، نفاق فرهنگی و اجتماعی را رواج می دهد. این نفاق در داخل نظام اسلامی در امر قرآن، سیره و سنت بروز و ظهور می کند. که از جمله، اهداف این نفاق تلاش می کنند تا با استفاده ابزاری از مردم، و همراه کردن آن ها با خود به وسیله تخریب ذهن ها، ظاهر سازی، فرصت طلبی و تضعیف اراده مردم در همراه شدن با جریان حق و... سعی می کنند مردم را فریب دهند تا هر چه سریعتر به اهداف بلند مدت خویش دست یابند.

نفاق اجتماعی-سیاسی بیشتر با حاکمیت دینی مقابله می کند. و ضربه های مهلکی به مسلمانان وارد کرده است به گونه ای که بعد از رحلت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» این نوع نفاق، در سقیفه مسیر اسلام را منحرف کرد و باعث خانه نشینی امام علی «علیه السلام» شد و در دوران امویان، صلح بر امام حسن «علیه السلام» تحمیل کرد و امام حسین «علیه السلام» را به مقتل برد و در دوران عباسیان امام کاظم «علیه السلام» را به زندان انداخت.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» از این نوع نفاق به عنوان نفاق «دوران تأویل» یاد می کند که رهبر انقلاب با عنوان نفاق جدید از آن نام می برد. که این نفاق در دوران معاصر ادامه نفاق دوران تأویل است، که هم اکنون ادامه دارد.

که این نفاق در بعضی از مسئولین در داخل کشور با نشان دادن چهره ای انقلابی و تظاهر به ولایت مداری، انقلاب گری، اصلاح گری و گفتن شعارهایی زیبا با مضمون آزادی، عدالت اهداف شوم خود را در جامعه آغاز کرده اند. این نفاق در سطح جهانی و بین المللی بسیار گسترده تر است. که به کمک بعضی از سران مرتجع کشور زمینه ساز طمع استکبار و صهیونیسم در منابع و منافع کشورهای اسلامی شده است. (رضائی، ۱۳۹۹: ۴۶).

### د: راهکارهای عملی مبارزه با نفاق

برخی از راهکارهای عملی در برخورد با منافقان عبارتند از:

#### ۱- مدار و ملایمت

اسلام با توجه به نوع و مراتب نفاق و مقتضیات جامعه اسلامی، هیچ گاه در وهله نخست، برخورد خشونت آمیز را تجویز نمی کند بلکه بر اساس رسالت هدایتی اش مدارا و پند اندرز را یکی از راهکارهای تکاملی قرار می دهد. چنین رفتاری در جایی است که جریان نفاق تهدیدی برای نظام اسلام، مصالح و منافع آن نداشته باشد استفاده می شود، چرا که رفتار خشونت آمیز پیامبر با منافقان، علاوه بر اینکه به عنوان تصفیه حساب شخصی تفسیر می شود موجب اختلاف و جنگ داخلی می شود و از طرفی دیگر ممکن است مدارا کردن و پند و اندرز دادن زمینه هدایت بعضی از منافقان فریب خورده را فراهم می سازد به طوری که خداوند متعال یکی از دلائل جذب شدن مردم در جامعه متعصب عرب برخورد ملایم و شایسته ایشان می داند و می فرماید: « فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم » «به مرحمت خدا با آنها نرم خو شده ای، اگر خشن بودی و سخت دل، از دور تو پراکنده می شدند» (آل عمران: آیه ۱۵۹).

این سیاست اخلاقی پیامبر «صلی الله علیه آله» حتی باعث خشمگین شدن دشمنان اسلام می شد؛ چرا که پیامبر علاوه بر اینکه به مردم احترام می گذاشت به سخنان آنان نیز گوش می داد سخنان آنان را تحمل بر صحت می کرد، این رفتار رسول خدا در مورد منافقان نیز صادق بود؛ هر چند گوش دادن به سخنان آنان به معنای باور همه آنچه می شنید نبود. و همان گوش دادن به سخنان افراد متفاوت باعث شد بود که منافقان ایشان را گوش بخوانند « و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین و رحمة للذین آمنوا منکم و الذین یؤذون رسول الله لهم عذاب أليم » «از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند، و می گویند او خوش باور و گوش است! بگو خوش باور بودن او به نفع شماست (ولی بدانید) او ایمان به خدا دارد و (تنها) تصدیق مؤمنان می کند، و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، و آنها که فرستاده خدا را آزار می دهند عذاب دردناکی دارند». (توبه: آیه ۶۱)

با توجه به اینکه رسالت به عنوان یکی از اصول ثابت همه پیامبران هست، پیامبر در جریان این رسالت سعی می کرد تا زمانی که جریان نفاق؛ رنگ و بوی سیاسی نگیرد به عنوان یک «بیماری روانی» مطرح هست و نیازمند طبیبی حاذق و داروی ویژه می طلبد که به گفته امیرالمؤمنین در خطبه ۱۰۸ می فرماید: پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است طبیبی است که همراه با طبیب در میان مردم می چرخد. (نهج البلاغه، ص ۲۰۱) مرهم هایش را محکم و آماده ساخته، و ابزار هایش را برای سوزاندن زخم ها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمینه دل های کور، و گوش های کر، و زبان های لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماری های غفلت، و دردهای حیرت است. (نهج البلاغه، ص ۹۰).

از جمله مدار کردن پیامبر با منافقین در جریان غدیر خم بود که این گروه ماجراهای بسیاری را پشت سر گذاشته بود که آخرین آنها توطئه قتل پیامبر بود در «کوه هرشی» بود و پس از اعلام ولایت امام علی «علیه السلام» روحیه منافق آنها را امر می کرد که با برخوردهای دوگانه و ظاهرسازی فریبکارانه نقشه‌های جدی را بر ضد غدیر را به مرحله عمل نزدیک کنند؛ پیامبر گرامی اسلام در صدد این بود که به آنها بفهماند از نقشه‌های آنها باخبر است و هم قادر است توطئه‌های آنها را خنثی کند در برابر آنها عاجز نیست آن چه مدارا و آزاد گذاشتن آنها به چشم می خورد فقط برای امتحان مردم و مقدری است که پروردگار امر فرموده بود (انصاری، ۱۳۸۷: ۴۴۳/۱).

در سیره امام خمینی «ره» نمونه‌هایی از این مدار کردن با منافقان قابل مشاهده است؛ در جریان ریاست جمهوری بنی صدر علاوه بر اینکه کارشکنی‌هایی که در مقابل رهبری انجام می داد با سران منافق ارتباط داشتند که این رفتار باعث گزارش های متعدد از طرف بعضی از سران دولت به امام شده بود واز ایشان درخواست می شد که او را عزل کنند، امام در برابر این اعتراضات و گزارش ها مسئولین را به صبر و مدار فرامی خواند و بارها به بنی صدر نسبت به این رفتار پند و اندرز می داد که ارتباطش را قطع کند. به طوری که امام در مورد مدار کردنش با بنی صدر و بعضی از افراد شورای انقلاب این چنین بیان می کند؛ «من شما را به صبر و مقاومت توصیه می کنم شما فکر می کنید که خود من هیچ نظری ندارم در رابطه با این مسائل و در ارتباط با اسلام؟ این طور نیست من برای حفظ اسلام دندان روی جگر گذاشته‌ام. من از شما می خواهم که شما هم دندان روی جگر بگذارید و تحمل کنید و مقاومت کنید». (سعادت‌مند، ۱۳۹۰: ۸۲).

## ۲- امر به معروف و نهی از منکر

امر خلاف شرع و مصالح جامعه اسلامی، گاهی به گونه ای ساده و تنها به انگیزه‌ای فردی و از سرگستاخی و بی ادبی انجام می گیرد؛ و گاهی در اقدامی بسیار پیچیده و حساب شده برای براندازی اسلام و نظام اسلامی برنامه ریزی شده است که این افراد یامنافق هستند و از صمیم قلب ایمان ندارند و به عنوان مزدور بیگانگان شده اند و می خواهند با سر دادن شعار تساهل و تسامح در دین و با رواج دادن کارهای زشت در جامعه وعادی کردن آن در نظر مردم حاکمیت اسلام را از بین ببرند؛ به طوری که هرگونه اقدام در برابر با این رفتارها به عنوان خشونت تلقی می شود. بنابراین برای خنثی کردن چنین نفاقی در جامعه نیازمند امر به معروف و نهی از منکر غیر آنچه در رساله عملیه مشاهده کرده ایم می طلبید چرا که در این زمینه مبارزه با تهاجم است و از عهده یک فرد بر نمی آید؛ پس طبیعی است که نوع امر به معروف و نهی از منکر نیز باید فرق داشته باشد. مانند آنچه در نهضت عاشورا مشاهده کردیم که مبارزه با نفاقی ریشه دار بود تا برای همیشه اسلام را زنده کند و به عنوان الگو برای تمام آزادگان جهان باشد. در جامعه اسلامی نیز نیازمند این امر به معروف و نهی از منکر در مقابل یک خیانت و منکر اجتماعی-اقتصادی برنامه ریزی شده با همکاری شیاطین و کشورهای مختلف روبرو هستیم که برنامه های آنها با کمک منافقین داخلی و راهبردهای منافقین خارجی به اجرا در می آید تا به مسلمانان ضرر وارد کنند. که این منکر به ضرر تمام مسلمانان جهان است و در واقع این برتری کفار بر مسلمین است که خداوند هرگز این برتری را نمی پسندد و به آن راضی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳۱). «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» «هرگز برای کافران راهی قرار نداده است که به زبان مؤمنان باشد» (نساء، آیه ۱۴۱) که در برابر این قدامت دشمنان و منافقان نیازمند نهی منکر:

با طرح و فکر جمعی هستیم که افراد صاحب نظریندیشند و طرح و نقشه ای کارآمد طراحی کنند. به خصوص در مورد نفوذ منافقان در صفوف مختلف مسلمانان به خصوص مسائل نظامی، که برای اجرای دسیسه ها در جامعه همواره در مرزها نفوذ می

کنند و یاشناسایی افراد مهم به ترور کردن این افراد مهم و شاخص می پردازند و عوامل نفوذی خود را در ارتش و نیروهای انتظامی و نظامی وارد می کنند که در این موارد لازم است صاحب نظران و متخصصان با یکدیگر مشورت و طرحی راتهییه کنند. و دولت اسلامی عمل به این طرح اعلام و برهمه واجب کند، که وجوب عمل به این طرح هم به سبب وجوب نهی از منکر، و هم دلیل بر اطاعت از ولی امر می باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳۲)

نهی منکر در مورد امور معنوی نیز نیازمند فکر و اقدامی جمعی است زیرا از راههای مختلف و با برنامه ریزی دقیق و مرموز دین ما را به تاراج می برند اما ما متوجه نمی شویم و فکر می کنیم نماز و روزه برای ما کفایت می کند در حالی که دشمن به کمک منافقین بسیار حساب شده عمل می کند؛ و برای اجرای این نقشه ابتدا از فضای آموزشی و دانشگاه ها شروع می کنند که عدم تعهد در بعضی از معلمان و اساتید با گفتن سخنانی متناقض با سخن روحانیون که با این تناقض گویی این شک را به وجود می آورند که شاید آنچه عالمان دین می گویند صحیح نباشد و شاید این ها بهتر از روحانیون مسائل را می فهمند. که با این شک و شبهه ها باعث می شوند که به تدریج درجه ایمان ضعیف می شود؛ و زمانی به خود می آییم که از ایمان و دین چیزی باقی نمانده است. بنابراین لازم است در این زمینه بصیرت، آگاهی و هوشمند بودن را می طلبد که از دور حضور دشمن را درک کنیم و دیگران را نیز متوجه این خطر دشمن کنیم که این در واقع نوع دیگری از نهی منکر را می طلبد که اگر به این امر توجه نشود علاوه بر بی ایمان شدن جوانان، مفاسد اخلاقی، چون ایدر، اعتیاد، جنایت و قاچاق جامعه را فرا می گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۳۳۵).

مبارزه با توطئه های ضد اسلامی است که ممکن است در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی نظامی صوت می گیرد که برای مقابله با این امر نیازمند آموزش های پیچیده، طرح های بسیار سنجیده و متناسب با نقشه های شیطانی آنها است که نمونه کوچکی از آن در بیانات مقام معظم رهبری در مورد استفاده از مطبوعات به وسیله افراد خود فروخته است که از مطبوعات به عنوان پایگاه دشمن استفاده می شود «دشمنان بعضی از مطبوعات ما را برای خودشان پایگاه قرار داده اند، تا از آنها بر ضد اسلام و نظام اسلامی استفاده کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع جوانان، ۱/۱۳۷۹/۲، مصلاهی تهران) که چه بسا با بودجه بیت المال اداره می شود به عنوان پایگاهی برای آمریکا یا بعضی از دشمنان دیگر و صهیونیست ها شده و اغراض آنها را پی می گیرند در توطئه به آنها کمک می کنند که به فرمایش مقام معظم رهبری کاری که بی بی سی یا رادیو آمریکا باید بکنند انجام می دهند برای مقابله با توطئه ضد اسلامی تفکر و اندیشه است و مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر در این مسائل بسیار جدی تر است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

### ۳- حفظ وحدت بر محور توحید

یکی از راههایی که از طریق آن می توان به یک کشور یا جامعه مسلط شد ایجاد اختلاف و دودستگی بین ملل و مذاهب مختلف است که در جوامع اسلامی با ایجاد اختلاف بین شیعه سنی و ایجاد گروه های چون داعش، طالبان تکفیری و... برای رسیدن به اهدافشان و تسلط بر جامعه اسلامی استفاده می کنند که با توجه به اهمیت این امر یکی از راه های جلوگیری و مقابله با این اقدام منافقان حفظ وحدت بر محور توحید است که از اهمیت خاصی برخوردار است به همین خاطر است که یکی از اهداف متعالی پیامبر گرامی اسلام از ابتدای رسالتش تشکیل امت واحده اسلامی بود. گرچه منافقان بعد از رحلت پیامبر با غصب ولایت شکافی در جامعه سلامی ایجاد کردند؛ اما در زمان ائمه به خصوص امام علی «علیه السلام» تلاش کردند تا وحدت و انسجام جامعه را حفظ کنند که نمونه عینی آن در دوران کنونی نیز، عالمان اسلامی و در رأس آن رهبر معظم انقلاب همواره

براین امر تأکید داشته و عامل بسیاری از بلاها و مصائبی دردنیای اسلام مانند مسئله ی فلسطین و جنگ های خونین در یمن، غرب آسیا، به علت عدم وحدت اسلامی است (سخنان رهبری، کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۴ آبان ۱۳۹۸). در همین راستا یکی از سفارش های خداوند متعال در حفظ وحدت چنگ زدن به ریسمان الهی است. «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید». (آل عمران آیه ۱۰۳) اگر مردم رنگ خدایی را بپذیرند، یعنی رنگ وحدت، عظمت، پاکی و پرهیزگاری، رنگ بی رنگی، عدالت، مساوات، برابری و برادری، و رنگ توحید و اخلاص، می توانند در پرتو آن به همه نزاع ها و کشمکش ها که هرگاه بی رنگ اسیر رنگ شود، از میان بردارند، و ریشه های شرک و نفاق و تفرقه را برکنند. (امامی، ۱۳۸۹: ۵۵۷/۱).

#### ۴- مبارزه منفی و غیرمستقیم

گاه مبارزه مستقیم با جریان نفاق کارایی ندارد در این صورت بهترین راه مبارزه با منافقان، مبارزه غیرمستقیم و منفی است که افزون بر پایین آوردن هزینه های سنگین، ضربه ای سخت و کارساز به حیثیت منافقان وارد می کند و چهره حقیقی آنان را رسوا می کند که این اصل مربوط به موضع گیری پیامبر «صلی الله علیه و آله» نسبت به منافقان است که با توجه به اقدامات منافقان شامل دو مرحله است مرحله اول پیش از اقدام جدی و مسلحانه است و مرحله دوم پس از اقدام جدی منافقان و وارد شدن به مبارزه مسلحانه است که به عنوان یاغی یا محارب شناخته می شوند که پیش از این که وارد مبارزه مسلحانه شوند در مقابل آنها «مبارزه منفی» یا «غیرمستقیم» به کار برده می شود.

درسیره امامان معصوم «علیهم السلام» یکی از شیوه های منفی تلاش ائمه برای نشان دادن تفاوت میان نظام سیاسی مورد نظر اسلام و حکومت وقت به روش های مختلف است که در زمان امام هادی علیه السلام «با معرفی امامان شیعه به عنوان تنها کسانی که شایستگی جانشینی پیامبر اسلام را دارند، حاکمیت دیگران را زیر سؤال می برد و هرگونه همکاری با آنان جزء مواردی خاص حرام می شمرد که در زیارت جامعه ی کبیره امام یکی از اوصاف امامان را «ساسة العباد» (سیاستمداران بندگان) معرفی می کند.

با توجه به اینکه بعضی از منافقان فتنه گر نیستند؛ اما از آن دسته افرادی هستند که فریب خورده اند. به طوری که در اوایل انقلاب بعضی از گروهک ها با فریب بعضی از جوانان آنها را به سوی خودشان متمایل کرده بودند؛ بنابراین در مورد این افراد گاهی با قول بلیغ کارساز است و هدایت می شوند به طوری که خداوند متعال می فرماید: «أولئك الذين يعلم الله ما فی قلوبهم فأعرض عنهم و عظمهم و قل لهم فی أنفسهم قولا بلیغا» «آنان کسانی هستند که خدا می داند چه در دل دارند، از آنها رو بگردان و اندرزشان بده و با بیانی رسا وضعشان را به آنها گوشزد کن». (نساء، آیه ۶۳)

یکی از روش های تربیتی قرآن در بر خود با منافقان موعظه و اندرز دادن به منظور اصلاح و بیدار شدن است که خداوند در این آیه به پیامبر دستور می دهد که با زبان دل آنان حرف بزن تا متوجه شوند، که این رفتارشان چه مفاسدی دارد، و اگر معلوم شود نفاق ورزیده اند، چه عذابی ناشی از خشم خدای تعالی بر آنان نازل می شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۶۴۵).

#### نتیجه گیری



در خنثی ساختن نفاق در جامعه دینی باید اذهان داشت که در ابتدای امر با حفظ آرامش باید؛ جامعه را از ظاهربینی به دقیق بودن رهنمود کرد. یکی از این راه ها برای اجرای این برنامه، بازگ کردن حقایق با توجه به شایعات و شفاف سازی در این زمینه می باشد. تا باهمین راهکارها، حق از باطل مشخص شود. نباید با بها دادن به منافقان و اظهارنظرهای آنها در جامعه؛ آنها را بزرگ جلوه داد بلکه باید با ایجاد فضای امنیت، در بین افراد جامعه اجازه داد تا، مردم با بصیرت بیندیشند و انتخاب کنند. از شیوه عملی نیز با توجه به در نظر گرفتن نوع نفاق منافقان، باید با برخی از آنها مدارا کرد در شرایط وخیم سیاسی، مانند زمان جنگ یا اوضاع بحرانی برخورد شدیدی لازم است و باید با منافقان وارد جنگ شد و باید از به کارگیری منافقان در پست های مهم و حساس در جامعه باید خودداری کرد.

### منابع و مأخذ

۱. \*قرآن
۲. \*نهج البلاغه
۳. انصاری، محمدباقر، (۱۳۸۷)، غدیر در قرآن، قرآن در غدیر، دلیل ما، ایران - قم، چاپ: ج ۱.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، میر دامادی، جمال الدین، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت.
۵. امامی، عبدالنبی، (۱۳۸۹)، فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده، مطبوعات دینی - ایران - قم، چاپ: ۱.
۶. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، هارون، عبد السلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۷. خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، صحیفه امام، ج ۲۱ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۸. رضائی، احمد، (۱۳۹۹)، جریان شناسی نفاق با ویکرد قرآن بنیان، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق «علیه السلام»، قم، زمزم.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ایران؛ قم، چاپ اول.
۱۰. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۱۹ق)، الفروق فی اللغه، دار الآفاق الجدیدة، بیروت، ج ۱.
۱۱. حبکه میدانی، عبد الرحمن حسن، (۱۴۱۴ق)، ظاهره النفاق و خبائث المنافقین فی التاريخ، ج ۱، بیروت، دارالقلم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، موسوی، محمد باقر، ج ۱، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج، موسسه دار الهجرة، قم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، علی بابائی، احمد، دار الکتب الإسلامیة، ج ۱۳، تهران، چاپ ۱۳.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، آذرخش کربلا، انتشارات مؤامام خمینی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی مینی «رحمه الله علیه».
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع جوانان، ۱/۲/۱۳۷۹ (مصلاى تهران)